یکشنبه 26 اسفند 1403 - 03:00

# فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام

در این نوشتار، به اختصار فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام بیان شده و به ویژه به تبیین کریم اهل بیت بودن این امام همام می پردازیم.

در این نوشتار، به اختصار فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام بیان شده و به ویژه به تبیین کریم اهل بیت بودن این امام همام می پردازیم.

فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام و کریم اهل بیت بودن ایشان
درباره فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام روایات زیادی از اهل سنت و علمای شیعه نقل شده است.1

بسیاری از روایات حکایتگر علاقه خاص رسول خدا صلّی الله علیه و آله به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است. نحوه ابراز محبت آن حضرت ـ مانند پایین آمدن از منبر و بوسیدن آنها و دوباره بر منبر رفتن ـ نشانگر و جهت دار بودن این اظهار محبت است.2

حضرت می فرمود: «من او را [یعنی امام حسن علیه السلام] دوست دارم و نیز کسی که وی را دوست داشته باشد، دوست دارم».3

حضور در «مباهله» در دوران کودکی شاهد صادق این مدعا است. جایگاه امام حسن علیه السلام در نگاه رسول خدا صلّی الله علیه و آله در حدی است که در خصوص او فرمود: «اگر عقل در مردی مجسم می شد، همانا حسن بود».4

در میان خصایص برجسته آن حضرت، صفت «کرم» و «کریم بودن» جایگاه خاص خود را دارد؛ به صورتی که او به کریم اهل بیت علیهم السلام لقب یافته است.5

در این نوشتار نیم نگاهی به چرایی اطلاق این صفت بر امام حسن علیه السلام خواهیم داشت.

1. کرم در لغت و اصطلاح
«کرم» در کتاب های لغت عرب، به معنای جوانمردی، سخاوت، مهربانی، بخشش، بزرگواری است.6 در اصطلاح اهل عرفان «کرم»، مرتبه سوم از سخا به شمار می رود که عبارت است از: «انفاق مال به سهولت و طیب نفس در امور سخت و مقاصد عالی».7

2. کرم از نگاه امام حسن مجتبی علیه السلام
در حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام پرسیده شد: «کرم چیست؟» حضرت پاسخ داد: پیش قدم شدن در بخشش، قبل از درخواست [سائل] و طعام دادن در جای [خویش].8

3. کریم
با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی و نیز تعریف امام حسن علیه السلام از «کرم»، می توان گفت: کریم، کسی است که به صفت بخشش متصف باشد؛ یعنی، فردی که مال خویش را با آسانی و آرامش خاطر ـ قبل از درخواست فرد نیازمند ـ انفاق کرده و می بخشد.

4. کریم یکی از اسمای الهی
خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، خویش را به کریم بودن وصف کرده9 و به حق نیز چنین است؛ زیرا حضرت حق به بهترین وجه و در عالی ترین مرتبه، جود و بخشش خویش را ـ چه در حوزه نیازمندی های مادی و چه در ساحت احتیاجات معنوی ـ به مخلوقات ارزانی داشته است. از آنجا که خداوند سبحان کریم است، کرم و اهل آن را نیز دوست می دارد؛ چنان که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود: «ان الله کریم یحب الکرم».10

5. نشانه های کریم در منابع اسلامی
برای آنکه انسان ها، فرد کریم را بشناسند یا خود را محک زنند که اهل آن هستند یا خیر، در منابع دینی نشانه های متعددی

برای او ذکر شده است؛ از جمله: اخلاق نیکو، فرو بردن ناراحتی و خشم، چشم پوشی از مال نو11، تقوای الهی12، عفو13، جود و بخشش14، ابتدا و پیش قدمی در نیکوکاری15، شکرگزاری16، اجتناب از محارم و تنزیه از عیوب17، رسیدگی به همسایگان18 و... .

6. امام حسن مجتبی علیه السلام کریم اهل بیت علیهم السلام
هر چند حضرت رسول صلّی الله علیه و آله به کریم ترین فرد بنی آدم و کریم ترین اول و آخر خلقت متصف شده است19؛ ولی به دلیل تأسی امام مجتبی علیه السلام به رسول گرامی اسلام و نیز متصف شدن به اسمای الهی ـ که خصلت تمامی معصومان است ـ به کریم اهل بیت مشهور گشته است. نمونه های ذیل که از منابع معتبر نقل شده است، به خوبی نشانگر وجود نشان های کرم و کریم بودن آن امام عظیم الشأن است.

آشنایی با فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام

6 ـ 1. تقوای الهی: بهترین نشان کریم بودن، آن است که آدمی با عمل به واجبات و ترک محرمات ـ که همان تقوای الهی است ـ جان و روح خویش را فدای جانان کرده و در واقع به او ببخشاید. امام مجتبی علیه السلام در بعد تقوا و عبادت الهی، زبانزد خاص و عام بود.

ابن شهر آشوب روایت کرده است: روزی امام حسن علیه السلام در خیمه خویش نماز می گزارد (در منزل «ابوا» در میان مکه و مدینه)؛ ناگاه زن بادیه نشین بسیار خوش رویی، آن حضرت را دید و عاشق جمال آن حضرت شد و بی تابانه به خیمه آن حضرت درآمد. آن حضرت چون از نماز فارغ شد، پرسید: چه حاجت داری؟ گفت: بی تاب تو گردیده ام، شوهر ندارم؛ می خواهم مرا به وصلت خود شاد گردانی. حضرت فرمود: دور شو از من و مرا مستوجب عذاب الهی مگردان...!20

بنا بر نقل ابن کثیر: امام مجتبی علیه السلام وقتی در مسجد النبی، نماز صبح را به جای می آورد، در همان جای نماز خود می نشست و تا برآمدن آفتاب به یاد خدای متعال مشغول می شد... اگر برای نماز وضو می ساخت، رنگش دگرگون گشت و آن گاه که به نماز می ایستاد، تمام بدنش به لرزه می افتاد. هنگامی که مرگ را به یاد می آورد و یا خبر رستاخیز و صراط به خاطرش می آمد، آن چنان گریه می کرد که از هوش می رفت و اگر بهشت و دوزخ را یاد می کرد ـ همچون کسی که از شدت درد در شرف هلاک است ـ گریه می کرد و از خدای متعال، بهشت را می خواست و از جهنم برائت می جست.21

همچنین فرمود: «من شرم دارم پروردگار را ملاقات کنم؛ در حالی که با پای پیاده به خانه او نرفته باشم». از این رو بیست بار پیاده به سفر حج رفت.22

6 ـ 2. عفو و حلم: یکی از نشانه های «کریم» بودن، گذشت و حلم در برابر مشکلات و نامهربانی ها است.

چنان که خداوند متعال در اوصاف مردان الهی می فرماید:«وَ إذا مَرّوا بِاللّغْوِ مَرّوا کراماً».23

امام حسن علیه السلام به حق چنین بود؛ پذیرش صلح در برابر معاویه و گردن نهادن به لوازم آن، بهترین گواه بر حلم آن حضرت به شمار می رود.24

درخصوص حلم آن حضرت نقل کرده اند: «روزی مردی از اهل شام، بر سر راه آن حضرت آمد و دشنام و ناسزای بسیار به آن حضرت گفت. آن جناب پاسخش را نداد تا از سخن خود فارغ شد. آن گاه امام مجتبی علیه السلام روی مبارک خویش را به سوی او گرداند و به او سلام کرد. به رویش خندید و فرمود: ای مرد! گمان می کنم تو غریبی و گویا بر تو چند امر مشتبه شده است!!

اگر از ما خواهشی کنی، عطا می کنیم. اگر از ما طلب هدایت و ارشاد کنی، تو را ارشاد می کنیم. اگر از ما یاری بطلبی، عطا می کنیم. اگر گرسنه ای تو را سیر می کنیم. اگر عریانی تو را جامه می پوشانیم. اگر محتاجی بی نیازت می گردانیم. اگر رانده شده ای، تو را پناه می دهیم. اگر حاجتی داری، برای تو برمی آوریم. اگر بار خود را بیاوری و به خانه ما فرود آوری و میهمان ما باشی تا وقت رفتن برای تو بهتر خواهد بود؛ زیرا که ما خانه ای گشاده داریم و آنچه خواهی نزد ما میسر است. آن مرد، چون سخن حضرت را شنید، گریست و گفت: «گواهی می دهم که تویی خلیفه خدا در زمین و خدا بهتر می داند که خلافت و رسالت را در کجا قرار دهد».25

در خصوص عفو آن حضرت نیز نقل شده است: غلامش خطایی کرد که مستوجب توبیخ و تنبیه بود؛ از این رو حضرت دستور داد که او را ادب کنند. در این هنگام غلام گفت: ای مولای من «وَ الْعافِینَ عَنِ النّاس»26. حضرت فرمود: تو را عفو کردم. [سپس] غلام

گفت: «وَ اللهُ یحِبُّ الْمُحْسِنِینَ»27؛ امام فرمود: تو آزادی برای خشنودی خداوند و برای توست دو برابر آنچه که [ پیش از این] به تو می دادم».28

6 ـ 3. رد احسان به بهترین وجه: یکی از نشان های کرم و جوانمردی، آن است که اگر کسی به انسان احسانی کرد ـ حال چه قولی چه عملی، چه گفتاری و چه فعلی ـ وی به بهترین صورت پاسخ گوی احسان او باشد29 و امام حسن علیه السلام چنین بود.

ابن شهر آشوب در مناقب روایت می کند: کنیزی با یک دسته ریحان به آن حضرت سلام کرد. امام حسن علیه السلام به او فرمود: تو برای رضای خدا آزادی. یکی از همراهان برای این کار او را سرزنش کرد! حضرت فرمود: مگر نشنیده ای که خداوند متعال می فرماید: «وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیةٍ فَحَیوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها»30؛ «و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید» و چه چیزی از آزاد کردنش بهتر بود.31

ابن شهر آشوب روایت کرده است: روزی امام حسن علیه السلام بر جمعی از گدایان گذشت که پاره چند نان خشک بر روی زمین گذاشته و می خوردند. چون نظر ایشان بر آن حضرت افتاد، خواستند که حضرت بر سر سفره آنان میهمان شود. امام مجتبی علیه السلام از اسب پایین آمد و فرمود: «خداوند، متکبران را دوست نمی دارد». پس با ایشان نشست و از طعام آنان مقداری خورد. به برکت حضرت از غذا هیچ کم نشد. [در مقابل حضرت] ایشان را به میهمانی خود دعوت کرد و طعام های نیکو برای ایشان حاضر کرد و به خلعت های فاخر آنان را مزین فرمود و ایشان را مرخص کرد.32

6 ـ 4. جود و بخشش: این نشانه ـ که یکی از مهم ترین و برجسته ترین نشانه های «کریم» بودن است ـ در امام مجتبی علیه السلام شهرت دارد. در روایتی آمده است: آن حضرت در طول حیات خویش سه مرتبه و هر بار نیمی از دارایی خود را ـ که حتی شامل کفش و جوراب نیز می شد ـ در راه خدا بخشید.33

گفتنی است این همه بخشش و جود او، برای ثناگویی و مدیحه سرایی یا لذت بردن از جاه و مقام نبود؛ بلکه تنها برای رضای خدا و طلب ثواب و پاداش الهی بود؛ از این رو هیچ گاه به نیازمندی جواب «نه» نداد.

امام علیه السلام وی در پاسخ کسی که از او پرسید: چرا هیچ نیازمندی را بدون پاسخ نمی گذاری؛ فرمود:
اراده خدا بر این قرار گرفته که نعمت های خویش را به من ارزانی دارد و من نیز عادت کرده ام که نعمت های الهی را به مردم ببخشم. پس می ترسم که اگر عادت خویش را قطع و ترک کنم، خداوند نیز مرا از عادت خود منع فرماید و از فیض نعمت های الهی محروم شوم.34

آشنایی با فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام

نمونه هایی از این بخشش:
الف. روایت شده روزی آن حضرت در مسجد نماز می خواند، شنید شخصی در کنار او چنین دعا می کند:
خداوندا! ده هزار درهم مرا روزی کن، حضرت چون به خانه رسید، ده هزار درهم برای او فرستاد.35

ب. روزی امام حسن علیه السلام نشسته بود و طعام می خورد. سگی در پیش او ایستاده بود. حضرت هر لقمه ای که می خورد، مقداری پیش سگ می انداخت. مردی گفت: ای پسر رسول خدا! اجازه بده که این سگ را دور کنم. حضرت فرمود: او را رها کن؛ از خدا شرمم می آید که جانداری نظر به طعام من کند و من غذایی به آن ندهم و آن را برانم.36

ج. محدثان نقل می کنند: مردی نیازمند نزد امام حسن علیه السلام آمد، حضرت به او فرمود: نیازت را روی رقعه ای بنویس و برای ما ارسال کن. او نیز چنین کرد. حضرت دو برابر آن را به او داد. یکی از حاضران به وی گفت: ای فرزند رسول خدا! چرا این نوشته این قدر برکت داشت؟

حضرت در پاسخ فرمود: برکتش برای ما بیشتر بود؛ زیرا با این عمل، امکانی برای کار نیک فراهم شد. مگر نمی دانید انجام دادن کار نیک، بدون درخواست مفهوم ندارد؛ در حالی که اگر پس از درخواست او چیزی می دادم، در واقع در برابر آبروی او پرداخت می کردم. چه بسا او شب را در گیر و در بیم و هراس و امید گذرانده باشد و نمی داند چه مقدار از نیازش برآورده شده و کامیاب می گردد یا ناکام می ماند و در این حال نزد تو می آید؛ در حالی که لرزه بر اندامش افتاد، و قلبش ترسناک است. در این حالت اگر نیازش را برآورده کنی، برتر از آن است که از تو بهره گرفته است.37

د. گروهی از انصار، صاحب باغی بودند که از آن زندگی می گذراندند. وقتی بر اثر نیاز مجبور به فروش آن شدند، امام مجتبی علیه السلام آن را از ایشان به چهارصد هزار درهم خرید. پس از مدتی آنان دچار چنان تنگنایی شدند که به ناچار دست نیاز به سوی مردم دراز می کردند. در این هنگام، حضرت دوباره باغ را بدون هیچ چشم داشت مالی، به ایشان برگرداند تا دیگر از مردم چیزی نخواهند.38

امام مجتبی علیه السلام همواره می فرمود: «ما مردمی هستیم که بخشش فراوانی داریم که همواره امید و آرزو را برآورده می کنیم».39 «ما پیش از آنکه کسی از ما بخواهد، می بخشیم؛ چون آبروی درخواست کننده را پاس می داریم».40

برآن چه می گذرد، دل منه که دجله بسی
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
گرت زدست برآید، چون نخل باش کریم
ورت زدست نیاید چو سرو باش آزاد

پی نوشت ها:
1. نگا: ترجمة الامام الحسن علیه السلام از ابن عساگر در تاریخ دمشق و ترجمة الامام الحسن از ابن سعد در طبقات الکبری.
2. مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 24.
3. ترجمة الامام الحسن، طبقات ابن سعد، ص 134.
4. فرائد السمطین، ج 2، ص 68، در این خصوص نگا: تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، ج 3، ص 17 ـ 15 ؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، صص 121 ـ 120 و 167.
5. نگا: اعلام الهدایة، ج 4، ص 37.
6. نگا: فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج 3 ـ 4، ص 1363 و 1364 ؛ المنجد، ص 682.
7. نگا: تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان، کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، با مقدمه، تصحیح و تعلیق سید محمد دامادی، ص 241 و 61.
8. بحارالانوار، ج 78، ص 102.
9. نگا: نمل 27، آیه 40 ؛ انفطار (82)، آیه 6 ؛ تکویر (81)، آیه 19.
10. نگا: میزان الحکمه، ج 8، ح 17221.
11. میزان الحکمه، ج 8، ح 17197.
12. همان، ح 17258.
13. همان، ح 17261.
14. همان، ح 17267.
15. همان، ح 17233.
16. همان، ح 17234.
17. همان، ح 17238.
18. همان، ح 17243.
19. نگا: همان، ح 17317 ـ 17316.
20. محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، صص 408 ـ 407.
21. هاشم معروف الحسینی، زندگی دوازده امام، ترجمه محمد رخشنده، ج 1، ص 503.
22. نگا: ابونعیم الاصبهانی، اخبار اصبهان، ج 1، ص 44 و بحارالانوار، ج 6، ص 159، ح 22.
23. فرقان 25، آیه 72.
24. اعلام الهدایة، ج 4، ص 35.
25. تاریخ چهارده معصوم، صص 411 و 412.
26. آل عمران 3، آیه 134.
27. همان.
28. اعلام الهدایة، ج 4، ص 36.
29. نگا: میزان الحکمه، ج 8، ص 371 ـ 370.
30. نساء، آیه 86.
31. زندگی دوازده امام، ج اول، ص 508.
32. تاریخ چهارده معصوم، صص 413 و 414.
33. سیوطی، تاریخ الخلفا، ص 73 و نیز نگا: بحارالانوار، ج 6، ص 159، ح 22.
34. نگا: اعلام الهدایة، ج 4، ص 37.

35. تاریخ چهارده معصوم، ص 413.
36. همان، ص 414.
37. زندگی دوازده امام، ج 1، صص 506 ـ 505 و نیز نگا: بیهقی، المحاسن والمساوی، ص 55.
38. زندگی دوازده امام، ج 1، ص 508.
39. همان، ص 506.
40. همان.

منبع:
پرسش ها و پاسخ های برگزیده ویژه ماه مبارک رمضان، گروه محققان، دفتر نشر معارف، چاپ دهم، پاییز 89

راسخون